

آمریکا، منطقه و



انقلاب اسلامی

ازاد اهمیت فزاینده‌ای خواهد داشت .

۲ - هدفهای همکاری امنیتی ایالات متحده عبارتند از :

الف : کمک به ایران برای برقراری یک پایگاه بسیج توانا و مناسب .

ب : ترغیب به مشارکت فعال درمجامع امنیتی طرفدار غرب .

ج : همکاری در بدست آوردن حقوق ، اختیارات و امکانات برای آمریکا و متفقین و

د : کمک به ایران برای مستقر کردن و نگهداری نیروهای پشتیبانی تدارکاتی و رزمی قادر به انجام وظایف دفاعی احتمالی ه: افزایش دسترسی آمریکا به منابع نفتی عظیم .

از متن این سند ضمن درک اهداف امپریالیسم براحتی می توان تشخیص داد که آمریکا برای اجرای اهداف استراتژیک و فرعی خود به چه وسعتی روی ایران حساب میکرده است اما

انقلاب اسلامی ایران و احلال در سیستم هماهنگ استراتژیک آمریکا

در بازی شطرنج ابرقدرتها و تقسیم قدرت و بالنتیجه تقسیم منافع و در تلاطم بروز حرکتیهای داخل شطرنجی ناگاه انقلاب اسلامی ایران همچون بازیگری که این

پایدهای استراتژیک آمریکا در منطقه عبارتند از :

۱ - نفت که قسمت عمده تولید آن در منطقه در جهت مصارف و منافع غرب می باشد .

۲ - اسرائیل که قسمت عمده سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا را بخود اختصاص داده است (حمله اخیرریگان در بارما اسرائیل)

۳ - مبارزه با کمونیسم و جلوگیری از نفوذ و پیشرفت شوروی (خوانندگان توجه فرمایند علی رغم اینکه بلوک شرق و غرب در بسیاری موارد دارای منافع مشترک می باشند اما دائم در کشمکش بر سر منافع می باشند)

۴ - افشاکری دانشجویان مسلمان بهرو خط امام می خوانیم :

۱ - اهمیت اولیه ایران به واسطه موقعیت کلیدی در مجاورت اتحاد شوروی و نقش فزاینده رهبری آن در منطقه خلیج فارس و ناحیه ساحلی اقیانوس هند و موقعیتش بعنوان یکی از تولید کنندگان اصلی نفت در دنیا و خریدار تولیدات ایالات متحده می باشد. بانبات و درجهت غرب ، ایران به دادن حقوق ، اختیارات و امکانات به ایالات متحده بصورت دو - جانبه و از طریق همکاری در داخل شبکه سنتو ادامه میدهد . نفت ایران برای دنیای

ما به این اصل اعتقاد داریم که شرایطی که در جهان بوجود آمده و با خواهد آمد به هیچوجه جدای از سرنوشت ملت و امت ما و انقلاب اسلامی نخواهد بود .

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی آمریکا امپراطوری قدرتمند منطقه در آرامشی وصف ناپذیر به غارت دار و ندار ملل مستضعف و اجرای اهداف استراتژیک خود مشغول بود. پیمانهای نظامی آمریکا حول مسیرهای آسی و مراکز استراتژیک و ژئوپولیتیک بصورت حلقات بهم پیوسته در کشور های مجاور دریای مدیترانه ، بحر احمر ، خلیج فارس و اقیانوس هند عامل تحکیم بدون درد سر این امپراطوری بود بطوریکه

۱ - پیمان ناتو در شمال مدیترانه از اسپانیا تا ترکیه را برپوشش قرار داده بود ۲ - پیمان سنتو از ترکیه تا پاکستان مشرف به خلیج و اقیانوس هند منطقه خاورمیانه را ناچی و کشتیاب بود . ۳ - اتحادهای دو جانبه در اطراف دریای سرخ توسط آمریکا و کشورهای مصر ، عربستان ، سودان ، یمن شمالی و غیره روزه‌های نفس کشیدن هر نیروی غیر آمریکائی را بگلی مسدود کرده بود .

و این هر سه بصورت یک نیروی واحد در جهت حفظ پایه‌های اصلی منافع استراتژیک آمریکا در این منطقه از جهان عمل میکردند .

بازی اصلا سرش نمی‌شود و روند قابل گذر این بازی را بر هم میریزد ظهورکرد و با توجه به مطرح کردن سیاست نه شرقی نه غربی نه در شعار بلکه در عمل به آمریکا نشان داد که :

۱- توازن را در منطقه برهم خواهد زد
۲- باعث گسترش انقلاب به کشورهای اسلامی خواهد گشت .

۳- و در این فعل و انفعال غرب (آمریکا) بازنده اصلی خواهد بود .

۴- و شرق نه تنها دیگر قادر به پیشروی نخواهد بود بلکه مجبور به عقب نشینی نیز خواهد شد و چنین نیز شد و حتی ابر سیاستمداران و ابرطراحان سیاستهای استعماری مجبور به اعتراف این واقعیت شدند .

برزنمکی مشاور رئیس جمهور سابق آمریکا در امور امنیت ملی و سیاستمدار برجسته آمریکائی در مقاله‌ای در نشریه نایمز مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱ می‌گوید :

(. . . نتیجه غیر قابل اجتناب یک عقب نشینی بزرگ غرب در حوزه خلیج فارس از بین رفتن تمامی نظام بین‌المللی ای که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم برقرار نموده است خواهد بود . بدین ترتیب بحرانی که آمریکا در خلیج فارس با آن روبروست از لحاظ استراتژیک و ژئوپولیتیک حالت بی سابقه‌ای دارد و به عقیده ما دشوارترین مبارزه این کشور بعد از جنگ جهانی دوم میباشد چیزی که این کار را دشوارتر می‌نماید اینست که هیچگونه عکس العمل روشنی وجود ندارد زیرا تعداد عوامل گوناگون مؤثر در بحران بسیار زیاد است اول از همه مساله قدرت روز افزون شوروی مطرح است تا همین سه سال قبل شوروی با یک نوار متشکل از ترکیه ، ایران و پاکستان که تا حدودی هم مورد حمایت افغانستان بیطرف نیز بود از منطقه بدور نگاه داشته شده بود اما امروز منطقه حائل بصورت نهاجمی شوروی در آمده و ایران که یک مانع استراتژیک در مقابل شوروی

محسوب می‌شد از هم گسیخته است . توازن استراتژیک بطور محسوسی و آشکاری به نفع شوروی بر هم خورده و این عواقب دراز مدتی در منطقه خواهد داشت تمامی منطقه اکنون حالت آسیب پذیری پیدا کرده و رهبران دول منطقه احساس آسیب پذیری می‌کنند .)

بدین ترتیب با بروز حرکت پر جوش و خروش انقلاب اسلامی در ایران و موج



گسترش آن در منطقه شکافی گمراه‌کننده در قلب امپراطوری بی‌کران آمریکا حاصل شد . اکنون دیگر منطقه خلیج فارس هرگز به آمریکا باج‌های کلان و بی حساب نمیبردارد . اکنون دیگر پیمانی بنام سنتو که حیثیت آمریکا را از ندبترانه تا اقباتوس هشد ادامه بیداد وجود ندارد . اکنون دیگر نه تنها زاندارم برتسدرت خلیج بقول برزنمکی از هم گسیخته است بلکه خطر تقلیل هر چه بیشتر و سرانجام نابودی منافع آمریکا هر آن افزایش پیدا می‌کند .

و اکنون دیگر با توجه به حرکت برالتهاب دانشجویان مسلمان بیرو خط امام که بگفته امام انقلابی بزرگتر از انقلاب اول بسود روحیه‌های باس و شکست در مسلمان و مستضعفین به امید و پیروزی تبدیل شده و تهاجم ایدئولوژیک و قدرت روحی مغول آمریکا در هم شکسته است .

و اکنون دیگر بقول برزنمکی زمان از بین رفتن تمامی نظام بین‌المللی ای که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم برقرار نموده است خواهد بود .

بدین ترتیب آمریکا بر آن شد که بهر صورتی که هست .

الف- ایران را به شکست بکشد .

ب- انقلاب اسلامی را وادار به سازش کند .
ج- عوامل مؤثری را جایگزین ایران کند که بتوانند ما موریتهای محولاً ایران را انجام دهند و کارکردن روی این ۳ مساله جز اصلی ترین کارهای آمریکا قرار گرفت و می‌گوید ابتدا روی طرح براندازی بیشتر تکیه کرد . اما با مشاهده اینکه علی رغم همه تلاشها از قبیل کودتاها و مکرر و تحریم اقتصادی و دخالت نظامی و جنگ احتمالی این طرح نتایج منفی بار آورد و همچنین با شناختی که ظرف ۳ سال در حوادث بی دریغی بدست آمد و اصلت انقلاب بر همه و بخصوص آمریکا واضح گشت و ثابت شد که انقلاب اسلامی به هیچ قیمتی حاضر به سازش با قدرتهای استکباری جهان نبوده و تصمیم گرفته است که گمان و نا ابر در تضاد با ضد ارزشهای حاکم بر جهان بماند و به گفته ما ش (ما نا ابر عمر با آمریکا می‌جنگیم) و سرانجام بالاچار پذیرفت که انقلاب اسلامی واقعیتی است و موی دماغی است که دیگر نخواهد گذاشت در منطقه آب خسوشاز گلی امیرالمستها با شین برود ، بنا بر این آمریکا برای ادامه حیات خود در منطقه با هدفها و اقدامات جدیدی با به میدان گذاشت تا بلکه بتواند گوشه ای از دردهای متحمل شده از پیروزی انقلاب اسلامی را مرمت کند .

۱- طرح ۸ ماده‌ای فهد و کنفرانس فارس برای حل مسأله اسرائیل که فلسفه وجودیش بخاطر هدفهای ذیل بود :

الف- حل تضاد بین اعراب و اسرائیل .
ب- ایجاد تضاد بین اعراب .

ج - متروزی کردن یا به سازش کشاندن رژیمهای متروزی عرب .
و پس از شکست این طرح در کنفرانس فاس اکنون ادامه همان طرح در الحاق بلندبهای جولان که با هدف به سازش کشاندن تنها رژیم مقاوم و متروزی خط مقدم جبهه می باشد قابل تأمل است . . .
۲ - شورای همکاری خلیج برای اطمینان از مسئله صدور نفت و امنیت تنگه هرمز و رفت و آمد کالاهای مبادلاتی غرب و کشورهای منطقه

هر چند که شورای امنیت خلیج بعلت بافت و موقعیت جغرافیایی و عدم یکپارچگی نخواهد توانست جای ایران قبل از انقلاب را بگیرد ، اما موقعیتی است که به آمریکا داده شده تا از آنوسله در متروزی کردن ایران و حفظ منافع خود در خلیج و گرفتن آوانس های سیاسی از ایران استفاده کند
۳ - مانور ستاره درختان جهت تحکیم قدرت نظامی آمریکا و تثبیت و حضور هر چه بیشتر و مستقیم نیروهای آمریکا در منطقه
۴ - فعال کردن سپاه واکش سریع به منظور سرکوبی نهضت های آزادبخش و دادن اطمینان به رژیم های مرتجع و وابسته حاکم بر

۵ - پیمان استراتژیک آمریکا و اسرائیل به علت حفظ اسرائیل از خطرات احتمالی
۶ - توطئه (عربی - فارسی) کردن جنگ تحمیلی با برنامه های حساب شده
الف - حمله به مراکز نفتی ام العیش در کویت .

ب - بمباران پایگاه های اتمی عراق توسط اسرائیل .
ج - تجاوز هواپیماهای اسرائیلی به خاک عربستان .
د - قرضه بحرین و بدنبال آن قرارداد امنیتی بحرین و عربستان .
ه - تبلیغات سو' مبنی بر همکاری نزدیک ایران و اسرائیل .

(طرح سیاست خارجی در مرحله کنونی جهت مقابله با سیاست های آمریکا)

- ۱ - جنگ نا پیروزی
- ۲ - دیپلماسی نهاجمی :
- الف - تشکیل جبهه متحد اسلامی
- ب - تشکیل سپاه قدس
- ج - تشکیل گردان جولان
- د - اخراج آمریکا و اسرائیل از سازمان ملل

- ه - الفاء حق ونو (قانون جنگل)
- اولا - مساله جنگ و رژیم آمریکائی عراق ، تبلیغ برای (عربی - فارسی) کردن جنگ ، کمک بی دریغ آمریکا از



طریق رژیم های مرتجع منطقه به عراق و اعزام سربازان مصری اردنی و بعضی ملیتهای دیگر به عراق و همه بلاشهای مذبحخانه صدام و اربابانش اکنون در راس توطئه های آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران قرار دارد و همانطور که ملت مادام در شعارهایشان فریاد جنگ جنگ تا پیروزی را سر میدهند این جنگ باید تا شکست صدام ادامه یابد و بدین ترتیب امید قطع شده آمریکا از ایران به یأس کامل مبدل خواهد شد .

تا نیا طرح و اقدامات عملی در زمینه سیاست خارجی و دیپلماسی نعرضی بمنظور :

الف - نزدیکی با کشورهای مستقل و

متروزی جهت متروزی کردن رژیم های مرتجع
ب - مقابله با حصار اقتصادی نظامی سیاسی آمریکا که پس از شکست کودتاها ، بی صدر ، منافقین و جنگ تحمیلی تنها راه تعرض آمریکا بر انقلاب اسلامی است
ج - منفعل کردن آمریکا و رژیم های مرتجع بجای اینکه خودمان در موضع انفعالی و دفاعی قرار بگیریم .

اقدامات عملی

الف - ادامه جنگ تا پیروزی کامل .
ب - تشکیل گردان جولان و اعزام برادران داوطلب ، در اینصورت اولین اقدام عملی و نه شعاری در جهت آزاد سازی قدس بوقوع پیوسته .

ج - گوش جبهه اخراج آمریکا و اسرائیل از سازمان ملل .

د - الفاء حق ونوی آمریکا (قابل توجه است که آمریکا ۱/۳ بودجه سازمان ملل را میدهد و ما می توانیم بعنوان پیشنهاد کننده ، نام ۱/۳ هزینه سازمان ملل به کشورهای غیر متعهد باشیم تا توسط کشورهای که دارای امکان پرداخت هستند این پول پرداخته شود و آمریکا و اسرائیل در سازمان ملل اخراج گردند .

ه - حمله مستقیم به منافع آمریکادر منطقه و نابود کردن آنچه که تکیه به نفع آمریکا مصرف میشود .

و - بر و بال دادن به نهضت های آزادبخش بخصوص نهضت های اسلامی که در این صورت

خواهیم توانست در مقابل هر حربه آمریکا حربهای داشته باشیم و در مقابل قدرت نظامی و تکنیکی استعمارگران سیرهی لایزال خلق خدا را بسج نمانیم و توطئه های جب و راست سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا را خنثی نمائیم .

جنین باد انشاء الله (والسلام)